

مواد مخدر و شبکه قاچاق بین المللی

چالشها و تهدیدها علیه امنیت ملی

معصومه معارف و ندا^۱

مقدمه

مدهاست که قاچاق مواد مخدر به عنوان یک مسئله جهانی مورد توجه قرار گرفته است و سازمانهای بین المللی برای مهار آن تلاش می کنند. عقیده غالب آن است که بدون همکاری های بین المللی مبارزه با این مشکل امکان پذیر نیست. کشورهایی که در فرایند قاچاق مواد مخدر از آغاز تا پایان؛ کشت، استخراج، بسته بندی، ترانزیت، توزیع و مصرف، خواسته یا ناخواسته وارد شده اند، بیش از سایر کشورها از آن اثر منفی می پذیرند. نگاه علوم انسانی

ایران علاوه بر اینکه در مسیر ترانزیت بزرگترین مقصوله های مواد مخدر قرار گرفته است، در سوء مصرف مواد نیز رتبه اول را در جهان داراست. قابل پیش بینی است که قاچاق مواد مخدر آثار سوء گسترده ای بر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران دارد. در این مختصر آثار قاچاق مواد مخدر بر امنیت ملی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بخصوص

به دو محور اساسی امنیت ملی که به شیوه های مستقیم و غیر مستقیم از تجارت غیر قانونی مواد مخدر تأثیر می پذیرند، بیشتر توجه خواهد شد.

امنیت ملی

برای امنیت ملی تعریف های گوناگونی آورده اند. برخی امنیت را به معنی نبود تهدید نظامی گرفته اند. برخی بر محافظت از کشور در برابر حمله نظامی یا اقدامات و اژگون سازی از خارج تأکید می کنند. یکی از تعریف های موجود برای این مفهوم تعریف کلاسیک آن است. بنابراین تعریف امنیت ملی عبارت است از توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود. لیمن از نخستین کسانی است که امنیت ملی را تعریف کرده است: "یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد."^۲

۱- کارشناس ارشد مداخلات اجتماعی

ای تعبیر نمود.

گفتمان اول:

این گفتمان بر سنت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و مشخصه هایی که انقلاب در دهه اول بر آن استوار بود، وفادار مانده است و بر اصول کلی آن به عنوان مبنای عمل در آینده تأکید می کند. بر اساس این نگرش، قدرت و امنیت تاحد زیادی وابسته به مواضع انقلابی و ایدئولوژیکی آن در سطح منطقه و نظام بین الملل بوده است و در آینده نیز ادامه این مواضع ضامن اصلی امنیت ایران و عامل اصلی قدرت و توسعه این کشور خواهد بود. مشخصه های اصلی این گفتمان به قرار زیر هستند:

انگوش ارزشی-فرهنگی به امنیت ملی

بر اساس این نگرش هدف اصلی استحاله فرهنگی نظام، تهدید ارزشهای انقلاب اسلامی و سست کردن اعتقاد مردم به باورهای دینی و انقلابی جامعه است. به این ترتیب پاسداری از ارزشها در کانون توجه نگرش ارزشی به امنیت قرار دارد و هر گونه تهدیدی که متوجه ارزشهای مورد اعتقاد جامعه و نظام باشد، تهدیدی امنیتی تلقی می شود. به همین علت در منظومه فکری نخبگان سیاسی ایران بحث تهاجم فرهنگی جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. علی نقی (۱۳۸۰) می نویسد:

"این نگرش اغلب نگران تهدیدهای نظامی خارجی است و هر گونه علامت جزئی در این زمینه را به صورت گسترده ای منعکس

در تعریف های کلاسیک بر جنبه نظامی امنیت تأکید شده است. کوشش دولتها برای افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی معطوف به همین معناست. بالا بردن توان نظامی موجب می شود که تهدیدهای خارجی نتواند کشور را از پی گرفتن منظور خود که همانا حفظ حیات و پیشبرد منافع ملی است، بازدارد. با تأکیدی که در دهه های اخیر بر استراتژیهای بازدارنده صورت گرفته دیگر در زمان ما همچون قرون گذشته امنیت ملی صرفاً به معنای داشتن استراتژی جنگی نیست. به همین ترتیب با تحولی که در مفهوم قدرت ملی و منافع ملی پدید آمده است، دیگر قدرت دولت منحصرأ قدرت نظامی نیست. در تعاریف جدید امنیت ملی علاوه بر جنبه نظامی آن به جنبه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیز تأکید می شود. به این ترتیب می توان به تعریف زیر اشاره کرد: "امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد." (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۱۴)

گفتمان های اصلی امنیت ملی

دو گفتمان اصلی در حوزه امنیت ملی در ایران وجود دارد که با توجه به هر یک از این گفتمان ها امنیت ملی را می توان به گونه

امنیت حکومت به امنیت مردم را باید ناشی از تاکید دانست که این گفتمان بر تهدیدات داخلی دارد. در این نگرش نخبگان و دولتمردان مرجع تشخیص تهدیدات هستند زیرا دیگران ممکن است خود از کسانی باشند که تهدیدی علیه نظام می باشند.

گفتمان دوم

برخی مشخصه های اصلی این گفتمان را می توان به شرح

زیر بیان کرد:

۱- تأکید بر درون گرایی دینی

ایران از زمانی که بر مبنای ارزشهای مورد ادعای خود نتواند جامعه و نظام سیاسی داخلی خود را ساماندهی کند، هرگز نخواهد توانست مبلغ خوبی برای ارزشهای دینی در دنیا باشد. بنابراین ضروری است که ضمن تعریف ارزشهای اصیل دینی و بازشناسی آنها از ارزشهای غیراصیل دینی ابتدا در داخل تمدن سازی کرد و بر اساس آموزه های دینی زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را ساماندهی کنیم. بدیهی است در صورتی که در این راه حرکت موفق داشته باشیم، الگوی سایر کشورهای دنیای اسلام خواهیم بود.

گفتمان نوین امنیت افراط در زمینه تهدیدهای خارجی، تمرکز بیش از حد بر دشمنان خارجی و تأکید بر تهدیدهای نظامی را مورد نقد قرار می دهد و سیاست های گذشته ایران را در خصومت و دشمنی یا بیگانگان و به ویژه در مورد کشورهای اسلامی مؤثر

می نماید. بر اساس این تحلیل، آمادگی نظامی ایران اهمیت زیادی پیدا می کند و توسعه کمی و کیفی نظامی به یکی از اولویت های اصلی نظام اسلامی تبدیل می شود. احساس ناامنی دائمی از سوی بیگانگان باعث تمرکز بیش از اندازه بر مسائل و تهدیدهای خارجی می شود و همواره نوعی نگرانی دائمی را در بین مردم دامن می زند.

۲- تأکید کمتر بر عوامل داخلی و اقتصادی

تمرکز این گفتمان بر مفهوم سخت افزاری امنیت ملی باعث کم توجهی به عوامل داخلی و اقتصادی تهدید کننده امنیت ملی می شود. از آنجایی که در این گفتمان عوامل نظامی و باورهای ایدئولوژیک در مرکز ثقل گفتمان امنیتی قرار می گیرد، عوامل اقتصادی و داخلی به حاشیه رانده می شوند و در اولویتهای بعدی سیاستهای امنیتی قرار می گیرند. به عبات دیگر هنوز توسعه اقتصادی به عنوان منبع اصلی ثبات و امنیت پایدار در ذهنیت طرفداران این نگرش جای نگرفته و ذهنیت آنان همواره متوجه شناسایی و دفع تهدیدهای خارجی است.

۳- اولویت امنیت حکومت در نهادهای حکومتی بر امنیت مردم به نظر می رسد در این گفتمان امنیت حکومت بر امنیت مردم اولویت دارد و در صورت بروز تعرض میان امنیت حکومت و امنیت شهروندان حفظ امنیت در سطح حکومت رجحان می یابد. از منظر تجربیدی گرایش طرفداران این گفتمان به اولویت دادن

می داند و بسترهای درونی یا داخلی تأثیر تهدیدهای خارجی را بر امنیت ملی کشور مهم می داند و معتقد است که تا زمینه داخلی برای آسیب پذیری مساعد نباشد، تهدیدهای خارجی نمی تواند به طور جدی ثبات سیاسی و امنیت ملی را تهدید کند.

نگرش صرفاً نظامی به تهدیدهای امنیتی هم از مواردی است که در گفتمان امنیتی جدید مورد ارزیابی قرار می گیرد. بر اساس این نگرش، تأکید افراطی بر تهدیدهای نظامی باعث غلبه تفکر نظامی بر ذهنیت و ادراک نخبگان سیاسی می شود. این تفکر می تواند در برخورد با مسائل و مشکلات داخلی جامعه نیز فعال شود که طبیعی است بسیار خطرناک و آفت زا خواهد بود.

۳- تأکید بر ابعاد داخلی و اقتصادی امنیت ملی

در گفتمان نوین مشروعیت سیاسی و کارآمدی دستگاه حکومت عمده ترین مبانی امنیت را در جامعه اسلامی تشکیل می دهند. تأکید بر مشروعیت سیاسی به عنوان مبنای امنیت داخلی در بلند مدت دارای مفروضاتی است که بر اساس آن تهدیدهای

داخلی مهمتر از تهدیدهای خارجی نظام است. برآیند این نگرش در کشور از لحاظ داخلی نیرومند باشد و نظام سیاسی مشروع و مورد اعتماد مردم باشد، تهدیدهای خارجی تهدید مؤثری برای امنیت ملی ایجاد نخواهد کرد. این نگرش استبداد، انحصار و دوری از مردم را تهدیدهای امنیت ملی محسوب می کند و نه تنها آزادی و دموکراسی و فعالیت مطبوعات آزاد را تهدید برای امنیت

ملی تلقی نمی کند بلکه آنها را مهمترین و اصلی ترین زمینه های امنیت ملی می داند.

بعد دیگر تأکید بر ابعاد داخلی امنیت این است که بزرگترین دشمن بقای ما عملکرد ضعیف و منقوی ماست. امروزه ثابت شده است که یکی از مهمترین عوامل بقای نظامهای سیاسی در توانایی آنها در تأمین نیازهای اقتصادی و رفاه عمومی مردم نهفته است و حکومت ها بر اساس میزان توانایی خویش در رفع مشکلات اقتصادی دوام می یابند.

گفتمان جدید، توسعه سیاسی را از دو جهت برای آینده ایران از لحاظ امنیت ملی ضروری می داند که در دو بعد سیاسی و اقتصادی قابل تحلیل است. از لحاظ سیاسی، توسعه سیاسی زمینه های کارآمدی و مشروعیت سیاسی را فراهم می سازد و از طریق آن ثبات سیاسی را در کشور حفظ می کند. از لحاظ اقتصادی نیز توسعه سیاسی بستر مناسبی را برای توسعه اقتصادی ایجاد می کند.

۴- امنیت حکومت / امنیت مردم

در این گفتمان امنیت مردم مبنای اصلی امنیت حکومت است و بدون امنیت مردم، امنیت نظام سیاسی و بقای آن غیر ممکن است. بنابراین امنیت مردم و امنیت حکومت دو روی یک سکه هستند و بروز تعارض در امنیت مردم و حکومت عامل بی ثباتی تلقی می شود. تأکید بر اولویت امنیت حکومت نه تنها نمی تواند ضامن

باقی آن شود بلکه بر تضاد بین مردم و حکومت می افزاید و باعث بی اعتمادی بیشتر مردم می گردد.

امنیت اقتصادی و پیوند آن با امنیت ملی

"هر کشوری برای تضمین امنیت خارجی نیاز به حد معینی از ثبات سیاسی و امنیت داخلی دارد. این امر خود تا حدود زیادی مستلزم توسعه اقتصادی است. عقب افتادگی در واقع نوعی ناامنی است زیرا موجب تنش و بحران داخلی و ترغیب مداخلات خارجی می شود. دولتمردان و مردم کشورهای توسعه نیافته موسوم به جهان سوم برای توسعه اقتصادی اهمیت زیادی قائل هستند. تا آنجا که برخی از آنها با صراحت می گویند که امنیت ملی از توسعه سرچشمه می گیرد و حد و شاخص توسعه حد و شاخص امنیت ملی نیز هست." (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۱۲)

یکی از مشخصات مهم نظام بین المللی کنونی تقسیم کشورها به کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته یا کشورهای مرکز و کشورهای پیرامون است. ساختار نظام بین المللی را در اصل توزیع و طرازبندی قدرت تشکیل می دهد. قدرت اقتصادی یکی از مهمترین جنبه های قدرت به معنای عام آن است. منبع قدرت به مفهوم عام بسیار گسترده است و عناصری همچون جمعیت، جغرافیا، ایدئولوژی، رهبری و دیگر موارد را در بر می گیرد. اکنون کشورها همانقدر نگران امنیت اقتصادی خود هستند که زمانی نگران امنیت نظامی خویش بودند. کشورهای توسعه

نیافته به کشورهای صنعتی وابسته اند و این امر نه تنها امنیت خارجی آنها را تهدید می کند بلکه امنیت داخلی آنها را نیز در معرض خطر قرار می دهد. کشورهای توسعه نیافته تک محصولی هستند و یا به صدور چند کالای محدود وابسته اند که درآمد آنها را سخت آسیب پذیر می کند. در نظریه وابستگی متقابل اقتصادی منبع قدرت، کنترل منابع می باشد. بازیگرانی دارای نقش مسلط و کنترلی هستند که از منابع فنی-تکنولوژیک و دیپلماتیک بیشتری برخوردار می باشند.

عقب افتادگی اقتصادی، وابستگی و فقر ناشی از آن و نیز شکافی که در میان کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته از نظر سطح رفاه عامه وجود دارد، منشاء تهدیدهای دیگری نیز هستند که می توان آنها را تهدید اجتماعی نام گذاشت.

منافع و سود کوتاه مدت از طریق تولید و ترانزیت مواد مخدر

در مناطق روستایی بسیاری از کشورها صنعت غیر قانونی مواد مخدر مشغلی را در مناطق کشاورزی برای بسیاری از افرادی که آن مهارت های محدود و سطح سواد پایینی برخوردارند، مثل کشاورزان و کارگران دوره گرد فراهم می آورد. تجارت غیر قانونی مواد مخدر همچنین برای گردانندگان آزمایشگاهها، عمده فروشان (توزیع کنندگان در مقیاس وسیع)، پولشویان، خرده فروشان و رانندگان کار ایجاد می کند. چنین فرصتهای مشغلی می توانند در شرایط اقتصادی کشورهای مهم باشند که

ضمن کشت غیر قانونی مواد مخدر، میزان بیکاری هم در آنها بالاست. سود اصلی حاصل از کشت غیر قانونی مواد مخدر نصیب تعداد بسیار کمی می شود؛ همانهایی که تجارت غیر قانونی مواد مخدر را سازمان می دهند. اما تعداد بسیار زیادی شامل آنانی که قاعدتاً از چنین تجارتی سود می برند، از این فعالیت غیر قانونی تأثیر می پذیرند. در طولانی مدت صنعت غیر قانونی مواد مخدر سبب بروز مشکلات متعددی می شود که سرانجام بر توسعه اقتصادی کشورهای مرتبط با آن تأثیر می گذارد.

تخمینهای مربوط به درآمد ناشی از تولید و ترانزیت غیر قانونی مواد مخدر و تأثیر آن بر اقتصاد ملی نمی تواند خیلی دقیق باشد. این تخمینها تنها می توانند نتایج و آثار کوتاه و بلند مدت اقتصادی چنین فعالیت های غیر قانونی را در کشورهای مربوطه تا اندازه ای روشن کند:

درآمد کشاورزان از کشت غیر قانونی خشکالی و برگانی و کاکائو در کوبا در سرتاسر دنیا کمتر از یک درصد کل درآمد حاصل از صادرات غیرقانونی مواد مخدر تنها در یکی از کشورهای درگیر است. کل درآمد کشاورزان از تولید خشکالی تنها معادل بخش کوچکی از بودجه ای است که صرف مبارزه با مواد مخدر در کشورهای مختلف می گردد. به عنوان مثال در آمریکا در سال ۲۰۰۱ بودجه دولت برای کنترل مواد مخدر ۱۸ میلیارد دلار

بود. بعلاوه در ایالات مختلف بیش از ۱۵ میلیارد دلار در قالب برنامه های کنترل مواد مخدر تأمین گردید. در انگلستان و ایرلند شمالی هزینه های صرف شده توسط مصرف کنندگان هروئین و کوکائین به ترتیب ۳/۹ میلیارد و ۳/۶ میلیارد دلار تخمین زده شده است (انگلستان ۲۰ درصد مصرف کنندگان هروئین و ۲۶ درصد مصرف کنندگان کوکائین اروپای غربی را در خود جای داده است).

تولید غیر قانونی مواد مخدر مانعی برای پیشرفت اقتصادی

در بلند مدت

برخلاف تصور عمومی مبنی بر اینکه درآمد حاصل از تجارت غیر قانونی مواد مخدر خود بخود موجب بالیدن و توسعه اقتصادی می گردد، هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد گسترش کشت غیر قانونی مواد مخدر به بهبود کلی شرایط اقتصادی منجر می شود یا سبب بهبود شاخصهای متعدد توسعه در سطح ملی گردد. در حالی که مدارکی در مورد توسعه اقتصادی در کوتاه مدت به واسطه تجارت غیر قانونی مواد مخدر وجود دارد، این سؤال مطرح می شود که آیا این توسعه در طولانی مدت پایا و پایدار خواهد بود؟ مدارکی در دست است که نشان می دهند در کشورهایی که در فرایند تجارت غیر قانونی مواد مخدر تولید کننده بوده اند، رشد اقتصادی کاهش یافته است، در بولیوی و پرو در دهه ۸۰ و در کمبیا در دهه ۹۰ افزایش

الف : تحلیل رفتن اقتصاد کلان در مقابل سرازیر شدن سودهای غیر قانونی که نهایتاً سرمایه های قانونی را پس زده به حاشیه می راند.

ب : کاهش صادرات قانونی

ج : ترویج تجارت های غیر قانونی و رقابت های ناعادلانه شامل موانعی که برای تجارت مشروع ایجاد می شوند

د : تشویق سرمایه گذاری در زمینه های غیر تولیدی

هـ : بدتر کردن توزیع نامتوازن درآمد

در سطح کلان به وجود آمدن اقتصاد وسیع زیرزمینی می تواند به طور جدی تصمیم گیری منطقی را توسط سیاستگذاران دچار مشکل نماید. مدیریت اقتصاد کلان در بهترین موقعیت سخت است اما با وارد شدن پول های نامشروع حاصل از قاچاق مواد مخدر که در سطح وسیع در اقتصاد جریان دارد، عملاً مدیریت صحیح اقتصاد کلان غیر ممکن می شود.

سرمایه گذاری های غیر قانونی که از حوزه نظارت و برنامه ریزی دولتی خارج است، به سودهای هنگفتی دست پیدا می کند که علیرغم اعمال سیاست های مختلف پولی میزان تورم را افزایش می دهد. در این میان تجارت قانونی و مشروع که به سرمایه ها و منابع غیر قانونی دسترسی ندارد، ممکن است به واسطه سود بسیار بالای سرمایه گذاری های غیر قانونی از میدان بیرون رانده شود و سرمایه گذاری های مشروع جدید نیز صورت نگیرد.

کشت کوکائین موجب افزایش رشد اقتصادی نگردید حتی در کلمبیا منجر به رشد منفی اقتصادی نیز شد. در فاصله سالهای ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ رشد اقتصادی در بولیوی و پرو اگرچه نسبتاً کم ولی بالاتر از میانگین رشد اقتصادی کشورهای امریکای لاتین قرار گرفت و این دقیقاً همزمان با کاهش تولید برگ کوکا در این کشور بود. افزایش چشمگیر تولید تریاک که افغانستان را به بزرگترین تولید کننده غیر قانونی موادمخدر در اوایل دهه ۹۰ تبدیل کرد، به جنگ داخلی در این کشور کمک نمود اما آشکارا سبب کند شدن رشد اقتصادی - اجتماعی کشور گردید.

در مقابل ایران و پاکستان که تولید تریاک را کاهش داده اند یا کاملاً آنرا حذف کرده اند، در هر دو دهه ۸۰ و ۹۰ رشد اقتصادی شان افزایش یافته است. چنین الگویی توسعه اقتصادی در جنوب شرقی آسیا نیز مشاهده شده است. در دهه ۸۰ تولید غیر قانونی تریاک در میانمار ۱۰ برابر شد و در همان زمان این کشور کمترین میزان درآمد ناخالص ملی (GDP) را در منطقه دارا بود. هنگامی که در دهه ۹۰ تولید تریاک در این کشور به یک سوم کاهش یافت، GDP آن نسبت به سطح رشد اقتصادی گزارش شده توسط کشورهای همسایه افزایش پیدا کرد. چنین الگویی را در لائوس، ویتنام و لبنان نیز می توان مشاهده کرد.

بی ثباتی اقتصادی حاصل از قاچاق مواد مخدر به طرق مختلف نمود پیدا می کند:

شکل دیگر خارج شدن سرمایه گذاری ها و اقدامات اقتصادی قانونی معاملات بزرگی است که با استفاده از سودهای کلان غیر قانونی که به داخل کشور سرازیر شده اند، صورت می گیرند. صادرات قانونی خود به خود توسط صدور غیر قانونی مواد مخدر از صحنه فعالیت های اقتصادی خارج می شوند. این معاملات صنایع و بازارهای محلی را دچار مشکل می نمایند. تولیدات و محصولات داخلی (محلی) به طور فزاینده ای با محصولات وارداتی جایگزین می شوند. بنابراین چنین معاملاتی می توانند به شدت به مناطق اقتصادی آسیب وارد کنند، شکل گیری آنها را متوقف نمایند و یا مانع تاسیس آنها گردند

از طرفی سرمایه گذارانی که با استفاده از سود حاصل از تجارت غیر قانونی مواد مخدر وارد میدان اقتصاد شده اند ممکن است رقبای قانونی خود را با فروش زیر قیمت اجناس یا ارائه سرویس های ارزان تر از میدان خارج کنند. چنین اقداماتی معمولاً در قالب شرکت هایی فرمایشی که ظاهراً به تجارت قانونی مشغولند، صورت می گیرد حال آنکه این شرکت ها و اقدامات آنها تنها پوششی برای پولشویی تلقی می گردد و دقیقاً در چنین شرایطی است که کاهش قیمت ها نشان دهنده بهبود شرایط اقتصادی نیست بلکه نمایانگر رشد منفی اقتصادی خواهد بود.

هدف بسیاری از این سرمایه گذاریها شکل دادن و تثبیت پایه

های توسعه بلند مدت نیست. تنها هدف مورد نظر این است که این گروهها به سودهای کوتاه مدت دست یابند و مسیر مناسبی برای پولشویی فراهم آورند. بعنوان مثال خرید مستغلات استفاده تولیدی نداشته و فقط سبب افزایش قیمت ها می گردد یا برای پنهان کردن ثروتهای نامشروع مورد استفاده قرار می گیرد. ضمن اینکه چنین سرمایه گذاری هایی بر قدرت خرید محلی ها تاثیر منفی می گذارد.

جنبه منفی دیگری که در مورد ورود پولهای حاصل از قاچاق مواد مخدر به اقتصاد مد نظر قرار می گیرد، موقتی بودن آنهاست. بسیاری از این سرمایه گذاری ها در واقع به ادامه فرآیند قاچاق مواد مخدر وابسته اند. به دلیل طبیعت و ساختار غیر قانونی، عملیات مواد مخدر ممکن است بطور ناگهانی مختل شود و سرمایه گذاری های مرتبط ممکن است در پی اجرای قوانین و پیگردهای قانونی کاهش یافته و یا بطور کلی متوقف شوند. در نتیجه مناطقی که قاچاق مواد مخدر در آنها صورت می گیرد میل یک چرخه معیوب و خطرناک گرفتار می آیند؛ چرخه غرق شدن در سرمایه های کلان حاصل از مواد مخدر و بیرون آمدن ناگهانی سرمایه ها و توقف سرمایه گذاریها.

امنیت سیاسی و رابطه آن با امنیت ملی

اکنون توسعه سیاسی با امنیت ملی ارتباط نزدیکی پیدا کرده است. وضع امنیت داخلی کشورها بر امنیت خارجی آنها

اتریاک، هروئین و مرفین) از ایران گزارش می شود. در سال ۲۰۰۱ میلادی این رقم به حدود ۵۴ درصد رسید. از کل کشفیات جهانی تریاک ۷۶ درصد، هروئین و مرفین ۱۹ درصد و حشیش ۵ درصد مربوط به ایران است. بیشترین آمار مصرف مواد افیونی نیز در جهان به ترتیب در ایران، لائوس و قرقیزستان گزارش شده است. در ایران بین ۷/۱ تا ۸/۲ درصد جمعیت بالای ۱۵ سال سو مصرف کننده مواد افیونی هستند مصرف حشیش نیز در ایران افزایش یافته است. (UNODC, ۲۰۰۳)

ایران در مسیر ترانزیت مواد مخدر قرار دارد و همچنان یکی از اصلی ترین کشورهای است که به عنوان شاهراه انتقال مواد مخدر به اروپای غربی و سپس سایر نقاط دنیا، تلقی می گردد. نمی توان بین قاچاق مواد مخدر و امنیت ملی رابطه خطی یک طرفه یافت. این رابطه یک رابطه حلقوی است. همانطور که قاچاق مواد مخدر می تواند به تهدید علیه امنیت ملی دامن زند، عدم امنیت ملی نیز می تواند تهدید قاچاق مواد مخدر مؤثر است.

با قاطعیت می توان گفت که قاچاق مواد مخدر می تواند در بلند مدت موجب ناکارآمدی نظام سیاسی گردد. امکان اینکه منافع کوتاه مدت در برخی موارد نصیب کشورهای درگیر شود، وجود دارد اما این منافع هیچگاه با منافع بلند مدت جایگزین نمی شوند. بلکه معمولاً به تهدیدهای مختلفی منجر می گردند که عوارض بلند مدتی را متوجه آن کشور می نمایند. با جای گرفتن قاچاق

تأثیر همه جانبه دارد. کشوری که دچار بحران و درگیری داخلی است، نمی تواند در برابر کشورهای خارجی از پشتوانه محکمی برخوردار باشد. بی ثباتی داخلی راه را برای نفوذ خارجی هموار می سازد.

" فقدان توسعه سیاسی به اشکال مختلف می تواند امنیت ملی را مورد تهدید قرار داده یا آنرا آسیب پذیر سازد. از جمله این موارد کاهش تدریجی مشارکت سیاسی، بروز بی تفاوتی، از میان رفتن حس اعتماد عمومی، ایجاد سرخوردگی می باشد.

بی ثباتی نظام حاکم تحت تاثیر قاچاق مواد مخدر

بی ثباتی سیاسی به توانایی تجارت غیر قانونی مواد مخدر در پرداخت هزینه های مبارزات انتخاباتی، فساد و ارتشا علاوه بر شورش، تروریسم و جرائم سازمان یافته ارتباط دارد. این امر می تواند شرایط را برای سرمایه گذاری نامناسب کند و پایه های تصمیم گیریهای درست در اقتصاد را متزلزل نماید.

قاچاق گسترده مواد مخدر می تواند به بی ثباتی و ناپایداری دولت بیانجامد. اگرچه سرمایه های حاصل از قاچاق مواد مخدر در کشورهای در حال توسعه ممکن است برای توسعه و پیشرفت اقتصادی کفایت ننماید، معمولاً به راحتی می تواند هزینه های لازم برای فساد در ساختار سیاسی کشورها را تامین کند.

تحلیل پایانی

بیشترین آمار کشف و توقیف محموله های مواد افیونی

مواد مخدر در روند تلاش یک جامعه برای ادامه حیات، به تدریج با تضعیف بخشهای مختلف در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میزان ناکارآمدی دولتها که عامل اصلی تأمین امنیت ملی تلقی می‌شوند، افزایش می‌یابد. بدین ترتیب نظام حاکم با بحران مشروعیت که یکی از مهمترین نشانه‌ها و مؤلفه‌های تهدید و تضعیف امنیت ملی است، روبرو می‌شود.

تلاش صرف برای یافتن علتهای عدم امنیت و عدم توسعه اقتصادی-سیاسی و اجتماعی در خارج از مرزهای کشور موجب بروز اشتباههایی در سیاست‌گذاریها و تصمیم‌گیریها می‌گردد. اینکه تلقی ما از امنیت ملی چه باشد، می‌تواند عاملی برای وارد شدن کشور به فرایند قاچاق مواد مخدر محسوب شود. اگر برداشت ما از امنیت ملی و به دنبال آن چگونگی تلاشمان برای برقراری امنیت با منافع ملی در تعارض باشد، بی‌تردید تنها به ناامنی در کشور کمک کرده‌ایم. ساختار بیمار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی برای بقای خود ناچار به شیوه‌های غیرمتعارف متوسل می‌شود. هرچند در طولانی مدت استفاده از شیوه‌های غیرمتعارف متعارف سبب شود که بیماری در کلیه بخشهای ساختار جامعه رسوخ کرده و آن را به فروپاشی نزدیک نماید.

عدم ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بی‌تردید می‌تواند تأثیر انکارناشدنی بر امنیت ملی برجای گذارد. قاچاق مواد مخدر به عنوان یکی از راههای نامتعارف مقابله با چنین شرایطی عدم

ثبات را در جامعه دامن می‌زند و در عمل سیکل معیوبی شکل می‌گیرد که به تدریج جامعه را بیش از پیش به قهقرای ناامنی خواهد راند.

منابع:

- اقلیما، مصطفی. نگرشی بر پدیده اعتیاد در ایران و راههای برخورد با آن (جزوه چاپ نشده)

- رابینسون، جفری. (۱۳۸۱). شست و شوی پول آلوده. ترجمه آلبرت برناردی. کلک آزادگان

- رنجبر، مقصود. (۱۳۷۸). ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشکده مطالعات راهبردی. - روشندل، جلیل. (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین‌المللی. انتشارات سمت.

- زیناکلام، صادق. (۱۳۸۰). امنیت عمومی و وحدت ملی. معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور. دفتر مطالعات و تحقیقات امنیتی.

- طبرستان، هفته‌نامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی. سال اول. شماره ۲۳ (ایران، بهشت پول شویان)

- علینقی، امیر حسین. (۱۳۸۰). نگاهی به مسائل امنیتی ایران. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- غریبان زندی، داود. (۱۳۸۰). ظهور پدیده طالبان و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: سپاه پاسداران انقلاب

آلوده. مجموعه مقالات همایش بین المللی علمی-کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. جلد ۱. نشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

- وزیریان، محسن. (۱۳۸۲). مروری بر برنامه های کاهش تقاضای مواد در ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، معاونت پژوهش.

- غنچی، علی. (۱۳۷۹). فرهنگ آموزش مبارزه با مواد مخدر. اداره کل پشتیبانی آموزش ناجا.

- تسبیح، آنا. (۱۳۷۹). مشکلات اجرایی قانون فرانسه در تطهیر پول. ترجمه روح الدین کرد علیوند. مجموعه مقالات همایش بین المللی علمی-کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. جلد ۲. نشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

- ماکورا، استفانو. (۱۳۷۹). جرم تطهیر پول در اروپا. ترجمه فاطمه قناد. مجموعه مقالات همایش بین المللی علمی-کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر. جلد ۲. نشر روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

- موسوی مقدم، محمد. (۱۳۸۱). تطهیر درآمدهای ناشی از جرم (پولشویی). کرج: رضوانی.

- مؤمنی، فرشاد. (۱۳۷۵). خلاصه مقالات سمینار توسعه و امنیت عمومی. دبیرخانه سمینار توسعه و امنیت عمومی پیام انسانی و مطالعات فرهنگی.

همکاری مؤسسه نشر جهاد وابسته به جهاد دانشگاهی. ژنرال جامع علوم اجتماعی

- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۷۹). شست و شوی پول.

INCB . Report 2002 . United Nations , 2002.
 UNODC.Global Illicit Drug Trends 2003 . New York.United Nations , 2003.
 UNODC . Investing in Drug Abuse Treatment : A Discussion Paper for Policy Makers(Drug Abuse Treatment Toolkits Series). New York.United Nations , 2003.
 UNODC . Money Laoundering and The Financing of Terrorism : The United Nations Response .

